

## درجه

## شگفتی هنرمند فقید ایرانی در حراج بونامز

● حراج هنر مدرن و معاصر خاورمیانه بونامز در حالی دوم ژوئن ۲۰۲۱ (چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۰) در نیویوند استریت لندن برگزار شد که اثری از صادق تبریزی، پیشگام فقید مکتب سقاخانه، در کنار آثاری دیگر از هنرمندان این مکتب با استقبال خریداران روبه‌رو شد. در این حراج دو اثر از تبریزی عرضه شده بود که تابلوی دو اسب‌سوار مربوط به دهه ۷۰ میلادی که با تکنیک رنگ‌روغن روی بوم در ابعاد ۷۵ در ۱۰۶ سانتی‌متر اجرا شده بود، به قیمت ۱۱ هزار دلار به فروش رفت. این در حالی است که این اثر به وضوح دارای ریختگی و شکستگی رنگ بود و بدون ترمیم در این حراج شرکت داده شده بود. اثر دیگر این هنرمند با عنوان زنان اسب‌سوار نیز که در ابعاد ۷۰ در ۷۰ سانتی‌متر مربوط به دهه ۹۰ میلادی بود ۹ هزارو ۸۰۰ دلار فروخته شد. در این حراج گران‌ترین اثر ایرانی تابلوی زمین‌لرزه از حسین زنده‌رودی به ابعاد ۱۵۰ در ۱۳۴ سانتی‌متر مربوط به سال ۱۹۷۱ میلادی بود که با ۲۳۰ هزار دلار فروخته شد. تابلویی از منوچهر یتکایی به رقم ۷۴ هزار دلار، تابلویی از حسین کاظمی به مبلغ ۵۲ هزار دلار و مجسمه‌ای برنزی از پرویز تاولی به رقم ۳۵ هزار دلار جزء گران‌ترین آثار ایرانی این حراج بودند. اثری از کاظم حیدر (۱۹۳۲–۱۹۸۵) هنرمند فقید عراقی با عنوان «قلب شهید» با رقم ۸۴۶ هزار دلار به‌عنوان گران‌ترین اثر به‌فروش‌رفته این حراج شناخته شد و اثر جواد سلیم (۱۹۱۹–۱۹۶۱) دیگر هنرمند فقید عراقی هم ۶۲۷ هزار دلار به فروش رسید. اما جدا از شگفتی‌سازی هنرمندان ایرانی در این حراج، اصولا باید حضور هنرمندان ایرانی را شرایط بسیار حد نامی از تحریم‌ها یک نوع شگفتی به حساب آورد. عدم امکان انجام معاملات پولی از طریق بانک‌های ایرانی و انتقال پول از حساب‌های بانکی در خارج از این کشور، شرایط دشواری را برای تمام شئون زندگی ایرانی از جمله هنر ایجاد کرده است. هزینه‌های سفر و فروش آثار در خارج از کشور برای گالری‌های ایرانی، سه برابر شده و گالری‌ها و نمایشگاه‌گردان‌های هنر ایران چاره‌ای جز چشم‌پوشی از حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی ندارند. این به آن معناست که سود محدود و دیده‌شدن کمتر برای هنر ایران رقم خورده است.

شاید اگر نبوند گروهی اندک از هنردوستان ایرانی خارج از کشور که همچنان دلشان برای هنر ایران می‌تپد، چراغ خرید و فروش آثار هنرمندان ایرانی در عرصه بین‌الملل برای همیشه خاموش می‌شد. حراج هنر مدرن و معاصر بونامز در حالی برگزار شد که برخلاف حراج‌های مشابه نه به صورت آنلاین و برخظ که به شکل حضوری و با حضور پرشمار خریداران و مجموعه‌داران عرب برگزار شد؛ خریدارانی که حاضرند صدها هزار دلار برای حمایت از هنرمندان هم‌زبان خود خرج کنند.

## «دشت خاموش» به سوئیس و اسلوواکی می‌رود

● «دشت خاموش» به نویسندگی و کارگردانی احمد بهرامی و تهیه‌کنندگی سعید بشیری در بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره بازل سوئیس و جشنواره فیلم‌های هنری اسلوواکی پذیرفته شده و به نمایش درمی‌آید.
دهمین دوره جشنواره بین‌المللی بازل از تاریخ ۱۶ تا ۲۰ ژوئن ۲۰۲۳ (۲۶ تا ۳۰ خرداد) در کشور سوئیس برگزار می‌شود و فیلم «دشت خاموش» در بخش مسابقه بین‌الملل احمد بهرامی و «دشت خاموش»، احمد بهرامی و ناهید عزیزی صدیق (مشاور کارگردان) در این رویداد هنری حضور خواهند داشت. بیست‌وهشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های هنری اسلوواکی نیز از تاریخ ۲۳ تا ۲۷ ژوئن (دوم تا ششم تیر) در براتیسلاوا پایتخت این کشور برگزار می‌شود و «دشت خاموش» در بخش مسابقه بین‌الملل این جشنواره به نمایش درمی‌آید. این فیلم که اخیرا در جشنواره جهانی فجر حضور داشت، تاکنون در بیش از ۲۰ جشنواره بین‌المللی حضور داشته و به نمایش درآمده که برخی از آنها عبارت‌اند از: ونیز، جهانی فجر، فلورانس، وایادولید (اسپانیا)، استکهلم، شب‌های سیاه تالین (استونی)، توکیو، سنگاپور، فیلم‌های ایرانی استرالیا، شانگهای، هنگ‌کنگ، هند (کرالا، پونا، چنای، یاشوانت) ساپورسیو (کرواسی)، موو (بلژیک)، لیخت (فرانکفورت)، انجمن منتقدان جهان (آمریکا)… همچنین «دشت خاموش» موفق به دریافت جوایز از این جشنواره‌ها شده که از آن جمله می‌توان به جایزه بهترین فیلم بخش افق‌های جشنواره ونیز، نشان فیبرش (فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم) و تندیس بهترین فیلم، فای (اتحادیه ملی ایتالیا) از جشنواره ونیز، تندیس بهترین فیلم جشنواره هنگ‌کنگ، تندیس بهترین بازیگر مرد (علی باقری) از جشنواره هنگ‌کنگ، جایزه بهترین تدوین (سارا یاور) از انجمن بین‌المللی منتقدان فیلم و جایزه بهترین فیلم از جشنواره کرواسی اشاره کرد.
بخش بین‌الملل فیلم «دشت خاموش» بر عهده شرکت پرشیا فیلم با مدیریت علی قاسمی است.

● **بهناز شیربانی**: تازه‌ترین اثر سینمایی اصغر فرهادی، «قهرمان»، به‌عنوان یکی از فیلم‌های بخش رقابتی هفتادوچهارمین جشنواره فیلم کن پذیرفته شده است. کمیتهی فرانسوی «ممتو» که پیش بین‌المللی و مسئولیت‌اکران این فیلم در فرانسه را بر عهده دارد، به‌تازگی خلاصه‌ای کوتاه از داستان نهمین ساخته بلند اصغر فرهادی منتشر کرده است. آنچه درباره «قهرمان» نوشته شده، این است که در مدت‌زمان دو ساعت و هفت دقیقه آن شاهد روایت قصه شخصیتی به نام رحیم هستیم که به دلیل ناتوانی در پرداخت بدهی‌اش در زندان به سر می‌برد؛ اما در دو روز مرخصی در تلاش است شاکای خود را با پرداخت بخشی از بدهی متقاعد به پس‌گرفتن شکایت خود کند؛ اما اتفاقات آن‌گونه‌که برنامه‌ریزی شده، پیش نمی‌رود.

مجله سینمای ایتالیا (Cinematografo) نیز خلاصه داستانی درباره «قهرمان» منتشر کرده و در بخشی از شماره جدید خود که به فیلم‌های مهم جشنواره کن پرداخته، آورده است: «قهرمان، فیلم جدید اصغر فرهادی کارگردان ایرانی برنده دو جایزه اسکار است. داستان این فیلم درباره مردی است که به دلیل بدهی در زندان است؛ اما وقتی آزاد می‌شود، متوجه می‌شود نامزدش یک کیف بر از پول پیدا کرده؛ اما تصمیم می‌گیرد از این پول استفاده نکند. زمانی که خبر این اقدام انسان‌دوستانه او در شهر می‌پیچد، به چهره‌ای شناخته‌شده تبدیل می‌شود و اهالی شهر برای کمک به او دست‌به‌کار می‌شوند. و…».

استودیو آمازون حق پخش فیلم «قهرمان» را در آمریکا در اختیار دارد و کمپانی فرانسوی ممتو پیکچرز، تهیه‌کنندگی و فروش بین‌المللی فیلم «قهرمان» را بر عهده دارد و این فیلم را در فرانسه نیز اکران خواهد کرد. همچنین کمپانی «لاکی رد» نیز فیلم جدید فرهادی را در ایتالیا اکران خواهد کرد. فیلم «قهرمان» به‌عنوان یکی از ۲۲ فیلم بخش رقابتی اصلی هفتادوچهارمین جشنواره فیلم کن با آثاری از کارگردان سرشناسی مانند «وس اندرسون»، «رانی مورتی»، «شین بیکر»، «فرانسوا اوزون»، «پل وروهن» و «شان یین» برای کسب نخل

بررسی کارنامه اصغر فرهادی به بهانه حضور «قهرمان» در جشنواره فیلم کن

# مسیر «قهرمان» شدن



طلای بهترین فیلم رقابت می‌کند.

ام‌ا اصغر فرهادی پنج سال پس از ساخت فیلم «فروشنده» بار دیگر در کشورش و با عوامل ایرانی تجربه دیگری را رقم زد. در این فیلم، امیر جدیدی، محسن تانابنده، فرشته صدرعرفایی، سارینا فرهادی و جمعی دیگر از بازیگران که اغلب آنان

چهره‌های جدید هستند، مقابل دوربین فرهادی رفته‌اند. «قهرمان» فرهادی در آینده‌ای نزدیک در یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای هنری جهان رونمایی خواهد شد و واکنش‌ها بعد از تماشای فیلم می‌تواند ارزیابی دقیق‌تری درباره رویکرد تازه فرهادی در فیلمش ارائه دهد و میزان موفقیت فیلم را در ادامه حضورهای جشنواره‌ای‌اش مشخص‌تر کند؛ اما نمی‌توان از این حقیقت به‌راحتی گذشت که اصغر فرهادی سال‌هاست به‌عنوان یکی از پرافتخارترین سینماگران کشورمان دستاورهای یگانه‌ای برای سینمای ایران داشته و راه بسیاری از سینماگران جوان را به رویدادهای هنری معتبر جهان هموارتر کرده است. بی‌اغراق نیست اگر بگوییم که به جز ما ایرانی‌ها، قطعا بسیاری از سینمادوستان در سراسر دنیا هم منتظر فیلم جدید اصغر فرهادی هستند؛

فرهنگ‌های گوناگون را به یکدیگر پیوند می‌دهد،

عاطفی و حس شرقی فاصله بگیرد و دنیایش را (با اتکا به لحنی شاعرانه و نگاه اومانستی و مایه‌های فلسفی) وسیع‌تر و جهانی‌تر کند و اتفاقا این تکنیک زمانه‌شناسانه جواب داد. درمورد اصغر فرهادی هم کم‌وبیش با وضعیت مشابهی از نظر مخاطب‌شناسی اولیه و مرحله‌به‌مرحله او در یک فضا و جغرافیای بومی و داخلی، مبتنی بر نگاه رئالیستی مواجهیم که نشانه‌هایش را در مجموعه تلویزیونی «داستان یک شهر» و فیلم‌های «قص در غبار»، «شهر زیبا» و «چهارشنبه‌سوری» و همکاری در نگارش فیلم‌نامه‌های «ارتفاع پست» (ابراهیم حاتمی‌کیا)، «کنعان» (مانی حقیقی) و «محاکمه در خیابان» (مسعود کیمیایی) می‌بینیم. اما از «درباره الی» به بعد او با اهمیت‌دادن بیشتر به عنصر فیلم‌نامه و کشمکش‌های انسانی و طبقاتی در یک دنیای متکثر و شرایط متزلزل و بحران‌زده، در ویتترین بازگیری‌اش تنوع و جاذبه فراینده ایجاد می‌کند و در عین حال حوزه مخاطب‌شناسی‌اش را تعمیم می‌دهد. این هوشمندی و فراست فرهادی در تریبون‌های معتبر جهانی مانند جشنواره‌های برلین کن و آکادمی اسکار جواب می‌دهد و همین باعث می‌شود که الگوی جدیدی از «تالسم اجتماعی» در مدیوم سینما به نام او ثبت شود و مورد تقلید شماری از فیلم‌سازان قرار بگیرد؛ اما در این میان بیش از همه طبقه‌های لطمه دید

## در حسرتِ قهرمان

و نگاه اومانستی و مایه‌های فلسفی) وسیع‌تر و جهانی‌تر کند و اتفاقا این تکنیک زمانه‌شناسانه جواب داد. درمورد اصغر فرهادی هم کم‌وبیش با وضعیت مشابهی از نظر مخاطب‌شناسی اولیه و مرحله‌به‌مرحله او در یک فضا و جغرافیای بومی و داخلی، مبتنی بر نگاه رئالیستی مواجهیم که نشانه‌هایش را در مجموعه تلویزیونی «داستان یک شهر» و فیلم‌های «قص در غبار»، «شهر زیبا» و «چهارشنبه‌سوری» و همکاری در نگارش فیلم‌نامه‌های «ارتفاع پست» (ابراهیم حاتمی‌کیا)، «کنعان» (مانی حقیقی) و «محاکمه در خیابان» (مسعود کیمیایی) می‌بینیم. اما از «درباره الی» به بعد او با اهمیت‌دادن بیشتر به عنصر فیلم‌نامه و کشمکش‌های انسانی و طبقاتی در یک دنیای متکثر و شرایط متزلزل و بحران‌زده، در ویتترین بازگیری‌اش تنوع و جاذبه فراینده ایجاد می‌کند و در عین حال حوزه مخاطب‌شناسی‌اش را تعمیم می‌دهد. این هوشمندی و فراست فرهادی در تریبون‌های معتبر جهانی مانند جشنواره‌های برلین کن و آکادمی اسکار جواب می‌دهد و همین باعث می‌شود که الگوی جدیدی از «تالسم اجتماعی» در مدیوم سینما به نام او ثبت شود و مورد تقلید شماری از فیلم‌سازان قرار بگیرد؛ اما در این میان بیش از همه طبقه‌های لطمه دید

## تنها می‌توانی در کشور خودت قهرمان باشی

واقعیت است و در منطق داستانی نمی‌توان این مورد را ضعف در نظر گرفت. باید دقت داشت که توجه به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری در فیلم‌های او مثال‌زدنی است. برخی از دیالوگ‌های آثارش تبدیل به ضرب‌المثل شده‌اند که نمونه‌های درخشان چنین دیالوگ‌هایی را در «جدایی نادر از سیمین» یا «درباره الی» می‌بینیم. به هر روی ایمن ویژگی کار فرهادی است که روابط انسانی در فیلم‌هایش موج می‌زند و نکته‌ای است که در تمام دنیا هم مورد توجه است. «قهرمان» تازه‌ترین اثر او در جشنواره فیلم کن حضور خواهد داشت و در بخش مسابقه پذیرفته شده و این باعث خوشحالی است و به همین دلیل می‌خواهم بگویم نباید فرهادی را تنها یک فیلم‌ساز جهان‌سومی بدانیم که به دلیل نمایش فقر و سیاه‌نمایی مورد توجه جهانیان قرار گرفته است، بلکه او دو بار اسکار گرفته و رسیدن به این جایزه کار ساده‌ای نیست.

واقعیت است و در منطق داستانی نمی‌توان این مورد را ضعف در نظر گرفت. باید دقت داشت که توجه به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری در فیلم‌های او مثال‌زدنی است. برخی از دیالوگ‌های آثارش تبدیل به ضرب‌المثل شده‌اند که نمونه‌های درخشان چنین دیالوگ‌هایی را در «جدایی نادر از سیمین» یا «درباره الی» می‌بینیم. به هر روی ایمن ویژگی کار فرهادی است که روابط انسانی در فیلم‌هایش موج می‌زند و نکته‌ای است که در تمام دنیا هم مورد توجه است. «قهرمان» تازه‌ترین اثر او در جشنواره فیلم کن حضور خواهد داشت و در بخش مسابقه پذیرفته شده و این باعث خوشحالی است و به همین دلیل می‌خواهم بگویم نباید فرهادی را تنها یک فیلم‌ساز جهان‌سومی بدانیم که به دلیل نمایش فقر و سیاه‌نمایی مورد توجه جهانیان قرار گرفته است، بلکه او دو بار اسکار گرفته و رسیدن به این جایزه کار ساده‌ای نیست.

واقعیت است و در منطق داستانی نمی‌توان این مورد را ضعف در نظر گرفت. باید دقت داشت که توجه به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری در فیلم‌های او مثال‌زدنی است. برخی از دیالوگ‌های آثارش تبدیل به ضرب‌المثل شده‌اند که نمونه‌های درخشان چنین دیالوگ‌هایی را در «جدایی نادر از سیمین» یا «درباره الی» می‌بینیم. به هر روی ایمن ویژگی کار فرهادی است که روابط انسانی در فیلم‌هایش موج می‌زند و نکته‌ای است که در تمام دنیا هم مورد توجه است. «قهرمان» تازه‌ترین اثر او در جشنواره فیلم کن حضور خواهد داشت و در بخش مسابقه پذیرفته شده و این باعث خوشحالی است و به همین دلیل می‌خواهم بگویم نباید فرهادی را تنها یک فیلم‌ساز جهان‌سومی بدانیم که به دلیل نمایش فقر و سیاه‌نمایی مورد توجه جهانیان قرار گرفته است، بلکه او دو بار اسکار گرفته و رسیدن به این جایزه کار ساده‌ای نیست.

این است که فیلم‌سازانی را سراغ داریم که وقتی

## هنر

## بررسی کارنامه اصغر فرهادی به بهانه حضور «قهرمان» در جشنواره فیلم کن

# مسیر «قهرمان» شدن

بسیار بیش از عوامل جدایی آنهاست. فرهادی بار دیگر از حرکات نمایشی دوری کرده تا واقعیت را از درون بسازد. این‌گونه مکان و منشا تأثیرگذار نیست. عملکرد او در تمام ساخته‌هایش در همین چارچوب بوده؛ از شاهکار «جدایی نادر از سیمین» تا اثر تقریبا بی‌نقص «فروشنده» و اکنون در فیلم تازه خود. از منظری ممکن است فیلم تازه، هيجانی همانند کارهای بزرگ قبلی او نداشته باشد؛ ولی باز هم به تجزیه و تحلیل «دروغ» و بازگشت به آن و همچنین گذشته‌آغواگر تحریف‌شده و درعین‌حال دردناک برمی‌گردد. باز هم خانواده به شکل جامعه‌ای رموز ترسیم شده و آن‌قدر به ما نزدیک است که سخت می‌توان فهمید ما عضوی از آن هستیم یا اوست که ما را در بر گرفته است. سال‌ها از توان فرهادی برای به‌تصویرکشیدن جامعه ایران تمجید شده است و اکنون او در پی روایت‌های جهان‌شمول در ریشه‌های بومی هر محل است. او در فیلم تازه خود با همان شیوه‌های خویش، ویژگی‌های جامعه روستایی را بیان می‌کند و در لحظاتی ما را شگفت‌زده می‌سازد. به‌خوبی درون‌مایه‌های نفرت را به تصویر می‌کشد و همچنین خصومت‌های ویژه یک روستای آفتاب‌گیر را یادآوری می‌کند.»

فرهادی بارها در گفت‌وگوهایش از تجربه زیستی‌اش برای به‌تصویرکشیدن ایده‌هایی که منکوب می‌کند، صحبت کرده. قطعا بسیاری از علاقه‌مندان آثارش نیز در میان کارنامه پرافتخار او از فیلم‌هایی تعلق خاطر بیشتری دارند. چنان‌که برخی با نگاهی سخت‌گیرانه، مسیر فیلم‌سازی او را از فیلم «گذشته» به بعد قابل قیاس با تجربه‌های پیشین نمی‌دانند و معتقدند که به‌نوعی فرهادی خودش را تکرار کرده است. بااین‌حال باید منتظر ماند و دید جدیدترین تجربه سینمایی او با بازیگرانی ایرانی در کارنامه او چه جایگاهی خواهد داشت و در جشنواره فیلم کن چه امتیازی خواهد گرفت. به بهانه حضور «قهرمان» در جشنواره فیلم کن در مطالب پیش‌رو نظر منتقدان و سینما نویس‌ان مطرح را درباره کارنامه فرهادی در چند سال گذشته و مسیر فیلم‌سازی او می‌خوانید.

شاید به دلیل پیش‌گفته باشد که چندی است برخی شبکه‌های ماهواره‌ای سعی می‌کنند با تغییر برنامه خود به جای پخش برنامه‌های معمول اقدام به روی‌خط‌بردن برخی سریال‌های شبکه نمایش خانگی ایرانی کنند. اهمیت توسعه شبکه نمایش خانگی وقتی بیشتر به چشم می‌آید که بدانیم ۴۰۰ شهر ایران با جمعیت بالای صد هزار نفر از داشتن سینما محروم‌اند. در این مدت مردم عادت کرده‌اند برای استفاده از کالای فرهنگی و گذران اوقات فراغت خود هزینه کنند و بخشی از درآمد ماهانه خود را به منظور خرید فیلم کنار بگذارند. شبکه نمایش خانگی در این مدت، خواسته یا ناخواسته مخاطبان را به سمتی سوق داد که نسبت به فروش فیلم‌های قاچاق در کنار پیاده‌روها، بیشتر شوند و کالای مورد علاقه خودشان را از پلتفرم‌های مجاز تهیه کنند که در این میان به نظر می‌رسد با لارفتن جهشی هزینه اشتراک این روند دچار اختلال شود. سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (رگولاتوری) وابسته به وزارت ارتباطات و سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا) وابسته به صداوسیما، نظارتی در زمینه تعرفه‌ها بر این موضوع ندارند و به‌همین دلیل این دو پلتفرم با توجه به هزینه‌های جاری خود اقدام به افزایش هزینه اشتراک کرده‌اند.

البته این در حالی است که بخش اعظمی از محتوای قابل ارائه در این پلتفرم‌ها صرفا محتوای ویدئویی دوبله‌شده است که نسخه دوبله بدون سانسور همه آنها در سایت‌های مشابه قابل دسترس است یا به دلیل پخش بدون مجوز برخی شبکه‌های ماهواره‌ای سریال‌ها و محصولات تولیدی در این پلتفرم‌ها نیز در دسترس برخی کاربران و مخاطبان است که همین امر باید رنگ خطر جدی را برای سیاست‌گذاران فرهنگی کشور به صدا درآورد؛ زیرا آنها نیز دریافت و دیده خواهد شد و این بار مسئولیت دست‌اندرکاران عرصه فرهنگی را سنگین‌تر خواهد کرد؛ به‌این‌صورت که به‌طور طبیعی بعد و قبل از دیدن همین برنامه‌های البته جذاب پلتفرم‌های خانگی، پیش‌نهاده‌ها و محصولات دیگر رسانه‌ای هم در شبکه‌های ماهواره‌ای ارائه می‌شود. بنابراین کمک به پلتفرم‌های اینترنتی نمایش خانگی از سوی دولت و رسانه ملی به هر نحو چه با تولید محتوا یا با کمک‌های مالی و تسهیلات کم‌بهره برای توسعه پلتفرم‌ها در بلندمدت نه‌تنها کمک به رقیب نخواهد بود؛ بلکه با همدلی و همراهی انواع رسانه‌های داخلی فعال می‌توان با این امر به نتایج مطلوبی رسید؛ زیرا امروزه پس از دهه‌های متوالی تحقیق و نظریه‌پردازی بزرگان عرصه رسانه و علوم ارتباطات دیگر تردیدی نیست که تلویزیون به کاشت مافیامی در اذهان ما مشغول است و اینک کلید اصلی برای توسعه عرصه رسانه‌های داخلی در دست سیاست‌گذاران فرهنگی است تا بخش خصوصی این حوزه را نه رقیب، بلکه رفیق و همراه خود بداند و با کمک به این بخش موجب کاهش هزینه‌های حق اشتراک شده و عملا با حمایت خود به جذب مخاطب ایرانی و فارسی‌زبان در شبکه‌های داخلی کمک شایانی کند.

به قدر کافی در مناسبات بی‌رحمانه جامعه سیاست‌زده معاصر ضرب خورده بود و در مظان اتهام قرار داشت و امیدی به رستگاری‌اش نبود. در واقع، تصویر پرگنراتست و بدون فضیلت و شکننده‌ای که اصغر فرهادی از «طبقه متوسط» رشدنیافته در آثار این دوران‌ش ارائه می‌دهد، هیچ گرايشی به نگاه آرمان‌خواهانه (برای عبور از بحران و رسیدن به نقطه‌ای امن و تثبیت‌شده) ندارد و بیشتر با نگرشی نیهیلیستی و تقدیرپذیر کنار می‌آید. قدر مسلم تجویز مداوم چنین نسخه‌ای برای این طبقه مطرح و در عین حال تأثیرگذار جامعه بحران‌زده و از مدار عدالت خارج‌شده ما نمی‌تواند از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی این دوران قابل دفاع باشد. به هر حال وظیفه و رسالت یک فیلم‌ساز (در مقام یک روشنفکر مسئول و واقع‌بین و آینده‌نگر) باید فراتر از اطلاق دروغ و پنهان‌کاری و انفعال به این طبقه در مناسبات فردی و اجتماعی‌اش، ارائه نقطه‌ای امیدبخش و شمایلی قهرمانانه از او (البته در اجرائی باورپذیر) باشد. آیا «قهرمان» به عنوان آخرین اثر اصغر فرهادی این نقیصه را جبران می‌کند و در دنیای تکرار‌شونده او در آثار اخیرش دریچ‌های نو می‌گشاید، یا این نام انتخابی همچنان واکنشی کنایی و قهرآمیز است و اساسا او به شمایلی «قهرمان» برای جهان معاصر و طبقه هویت‌یافته و به‌اسارت‌کشیده‌شده‌اش اعتقادی ندارد؟

به موقعیتی در کشورشان رسیده‌اند، مهاجرت کرده و در کشور دیگری فعالیتشان را ادامه داده‌اند. مثل کیشلوفسکی یا برخی از فیلم‌سازان اروپای شرقی یا آسیایی که به هالیوود رفته و ادامه فعالیت داده‌اند. کیارستمی و فرهادی هر دو ایرانی و فیلم‌سازان شیر کشورمان به راحتی می‌توانستند به کشوری دیگر مهاجرت کرده و فیلم‌هایشان را به راحتی بسازند، اما تجربه ثابت کرده است کوچ‌کردن به این راحتی‌ها هم نیست. باید قبول کرد که تنها می‌توانی در کشور خودت قهرمان باشی و وقتی کشورت را ترک می‌کنی تبدیل به فیلم‌سازی معمولی می‌شوی. مثل امیر نادری که با آن قدرت فیلم‌سازی و خلاقیت ذاتی تنها اتنها اندکی فیلم‌های به‌یادماندنی ساخت. البته نه از فیلم‌های او بدم نمی‌آید، اما دیگر آن امیری نادری که ما می‌شناختیم نیست یا نمونه متاخر دیگری مثل بهرام بیضایی که به موقعیتی که در ایران نه نزد دولتمردان بلکه نزد مردم داشت، می‌توانست به محض ترک کشورش، به یک فیلم‌ساز جهانی تبدیل شود. اما سال‌هاست که در بیرون از ایران عملا جز تدریس و پژوهش و به صحنه بردن نمایش، فیلمی نساخته است. تنها دلیلش هم این است که کارکردن در کشوری دیگر به این راحتی نیست. مقصود این نیست که در بیرون مرزهای کشورمان ده‌ها فن مثل بیضایی وجود دارد، بلکه مقصود این است که شرایط پذیرش فیلم‌ساز غیرآمریکایی در آمریکا به این راحتی نیست. فرهادی هم در چنین موقعیتی است. به راحتی می‌تواند در هر جای دنیا سرمایه جذب کند و فیلم بسازد اما او همچنان ریشه‌هایش را حفظ کرده است. موقعیت فرهادی باعث افتخار ما مردم ایران هم هست. سینمای ایران به واسطه

## ادامه از صفحه ۶

## ستاره‌ای بدرخشید و «ماه» مجلس شد

و پس از دو نقش مهم‌تر در فیلم‌های «عشق گمشده/اسدی/۷۵/» و «سافر/لوند/۷۶/» و نقش‌هایی فرعی‌تر در «باتی‌جاو/گرشاسبی/۷۴/» و «جوانمرد/اهنگرانی/۷۶/» تا مدتی حضور نداشت. در حضور گذرایش در چند فیلم دهه‌های بعدی نیز کمتر نشانی از آن استعداد کمپاب به چشم می‌آمد. «فرجامی» در سال‌های فعالیتش در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به موازات فیلم‌ها حضور در چندین سریال قابل قیاس با نقش‌های مهم سینمایی‌اش نیستند؛ اما از میان‌شان «بخش ۴ جراحی /فروتن/۶۷/»، «پهلوانان نمی‌میرند/فتحی/۷۶/» و «ولایت عشق/ فخیم‌زاده/۷۹/» بیشتر به یاد مانده‌اند. کارنامه تئاتری فرجامی در حدود دو دهه (۵۵ تا ۷۵) هم هرچند خیلی پر تعداد نیستند؛ اما همکاری با کارگردانانی مانند «محمود استادمحمد» (شب بیست‌ویکم/۵۸)، «رضا کرهرضایی» (فیزیکدان‌ها/۵۹)، «اکبر نجاران‌پور» (همه پسران من/۶۰/، «داوود رشیدی» (پیروزی در شیکاگو/۷۱)، «فرهاد آیش» (چمدان/۷۲) و چهار تجربه با «مجید جعفری» نشان از بازیگری توانمند داشت که اگر مصائب و کسالت‌ها بر او فائق نمی‌آمدند، می‌توانست در عرصه هنرهای نمایشی همچنان ماه مجلس بماند. هرچند متأسفانه بازیگران زن عمر کاری نسبتا کوتاهی دارند و با بالا رفتن سن عمدتا نقش مناسبی برایشان نوشته نمی‌شود؛ اما بازیگرانی که بتوانند درگیر حواشی سینما (که به‌سرعت آنها را مستهلک می‌کند) نشوند و تالان هنرشان بیش از جلوه زناگکی‌شان باشد، امکان تداوم حضور و موفقیت‌شان افزایش می‌یابد (مانند فاطمه معتمدآریا و لیلا حاتمی). فریم‌ها فرجامی به اعتبار پنج نقش آفرینی ماندگار در فیلم‌های «خط قرمز»، «تبغ و آبریشم»، «سرب»، «برده آخر» و «ترکس» برای همیشه در حافظه سینمایی سینمای ایران به یاد می‌ماند.

## پلتفرم‌های ایرانی نمایش خانگی رقیب یا رفیق

شاید به دلیل پیش‌گفته باشد که چندی است برخی شبکه‌های ماهواره‌ای سعی می‌کنند با تغییر برنامه خود به جای پخش برنامه‌های معمول اقدام به روی‌خط‌بردن برخی سریال‌های شبکه نمایش خانگی ایرانی کنند. اهمیت توسعه شبکه نمایش خانگی وقتی بیشتر به چشم می‌آید که بدانیم ۴۰۰ شهر ایران با جمعیت بالای صد هزار نفر از داشتن سینما محروم‌اند. در این مدت مردم عادت کرده‌اند برای استفاده از کالای فرهنگی و گذران اوقات فراغت خود هزینه کنند و بخشی از درآمد ماهانه خود را به منظور خرید فیلم کنار بگذارند. شبکه نمایش خانگی در این مدت، خواسته یا ناخواسته مخاطبان را به سمتی سوق داد که نسبت به فروش فیلم‌های قاچاق در کنار پیاده‌روها، بیشتر شوند و کالای مورد علاقه خودشان را از پلتفرم‌های مجاز تهیه کنند که در این میان به نظر می‌رسد با لارفتن جهشی هزینه اشتراک این روند دچار اختلال شود. سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (رگولاتوری) وابسته به وزارت ارتباطات و سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا) وابسته به صداوسیما، نظارتی در زمینه تعرفه‌ها بر این موضوع ندارند و به‌همین دلیل این دو پلتفرم با توجه به هزینه‌های جاری خود اقدام به افزایش هزینه اشتراک کرده‌اند.

البته این در حالی است که بخش اعظمی از محتوای قابل ارائه در این پلتفرم‌ها صرفا محتوای ویدئویی دوبله‌شده است که نسخه دوبله بدون سانسور همه آنها در سایت‌های مشابه قابل دسترس است یا به دلیل پخش بدون مجوز برخی شبکه‌های ماهواره‌ای سریال‌ها و محصولات تولیدی در این پلتفرم‌ها نیز در دسترس برخی کاربران و مخاطبان است که همین امر باید رنگ خطر جدی را برای سیاست‌گذاران فرهنگی کشور به صدا درآورد؛ زیرا آنها نیز دریافت و دیده خواهد شد و این بار مسئولیت دست‌اندرکاران عرصه فرهنگی را سنگین‌تر خواهد کرد؛ به‌این‌صورت که به‌طور طبیعی بعد و قبل از دیدن همین برنامه‌های البته جذاب پلتفرم‌های خانگی، پیش‌نهاده‌ها و محصولات دیگر رسانه‌ای هم در شبکه‌های ماهواره‌ای ارائه می‌شود. بنابراین کمک به پلتفرم‌های اینترنتی نمایش خانگی از سوی دولت و رسانه ملی به هر نحو چه با تولید محتوا یا با کمک‌های مالی و تسهیلات کم‌بهره برای توسعه پلتفرم‌ها در بلندمدت نه‌تنها کمک به رقیب نخواهد بود؛ بلکه با همدلی و همراهی انواع رسانه‌های داخلی فعال می‌توان با این امر به نتایج مطلوبی رسید؛ زیرا امروزه پس از دهه‌های متوالی تحقیق و نظریه‌پردازی بزرگان عرصه رسانه و علوم ارتباطات دیگر تردیدی نیست که تلویزیون به کاشت مافیامی در اذهان ما مشغول است و اینک کلید اصلی برای توسعه عرصه رسانه‌های داخلی در دست سیاست‌گذاران فرهنگی است تا بخش خصوصی این حوزه را نه رقیب، بلکه رفیق و همراه خود بداند و با کمک به این بخش موجب کاهش هزینه‌های حق اشتراک شده و عملا با حمایت خود به جذب مخاطب ایرانی و فارسی‌زبان در شبکه‌های داخلی کمک شایانی کند.